



Applying Force to Prevent Suicide and Self-mutilation

Hossein Aghaienia¹ Hadi Rostami²

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: haghiaie@ut.ac.ir

2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. Email: h.rostami@basu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Manuscript Received:
2 December 2023
Final revision received:
22 January 2024
Accepted:
7 September 2024
Published online:
10 December 2024

Keywords:
*Applying force,
suicide,
self-mutilation,
defense,
danger to life.*

ABSTRACT

Applying force to prevent suicide or severe and illegal self-mutilation as one of the obstacles to criminal responsibility has been approved in some of the world's criminal laws, such as the American Model Penal Code. Iranian Law does not have a clear position on this matter. The purpose of this research is to prove the idea of using force against a person who is trying to commit suicide or self-mutilation by resorting to some legal rules, such as Self-Defense.

The present study was carried out using a descriptive-analytical method and library resources.

The findings of the research indicate the use of force against suicide, due to the fear of life danger, based on the Penal Law, Refusing to Help the Injured and Remove Life Risks (1975), is mandatory, provided it is possible and capable. In cases where the perpetrator of suicide or self-mutilation is under eighteen years of age, the observer is obliged to prevent it according to the Statute on Protection of Children and Adolescents (2019). Also, if the observer is required to protect another according to his legal obligation or duty, inaction against suicide or self-mutilation can be considered a crime by observing the conditions of Article 295 of the Islamic Penal Code (2012). It seems, consenting to self-inflicted death (euthanasia) or some illegal self-mutilation, such as masochistic self-harm, a strong desire to injure during sexual activity, inserting a razor or knife into the body, circumcision of girls, and the like, does not prevent the use of force.

Cite this article: Aghaienia, Hossein; Rostami, Hadi. (2024) "Applying Force to Prevent Suicide and Self-mutilation", *Criminal Law and Criminology Studies*, 54 (1): 1-18,

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.98400>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.98400>



اعمال زور برای جلوگیری از خودکشی و خودزنی

حسین آقایی نیا^۱ | هادی رستمی^۲

۱. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. haghaie@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. h.rostami@basu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۹/۱۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۱۱/۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۱۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۹/۲۰

کلیدواژه‌ها:

اعمال زور،

أتانازی،

خطر جانی،

خودکشی،

خودزنی

اعمال زور برای جلوگیری از خودکشی یا خودزنی شدید به‌عنوان یکی از موانع مسؤلیت کیفری در برخی از قوانین کیفری دنیا از جمله قانون جزای نمونه آمریکا با رعایت شرایطی تجویز شده است. حقوق ایران نسبت به این پدیده، موضع صریحی ندارد و از این‌رو، جرم نبودن خودکشی یا خودزنی ممکن است مشروعیت مقابله با آن را به چالش بکشد. هدف این پژوهش، آن است که با توسل به برخی قواعد حقوق کیفری، مانند دفاع مشروع، قاعده احسان و قانون خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی (۱۳۵۴)، ایده اعمال زور در برابر مقابله با خودکشی و خودزنی را توجیه کند. روش و چارچوب پژوهش در این مقاله، توصیفی و تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌ها و بهره‌گیری از قوانین کیفری مرتبط با موضوع است. یافته‌ها نشان می‌دهند، مشاهده‌گر خودکشی در صورت توانایی به دفع خطر، مکلف به مقابله با آن است و ماده واحده قانون خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی (۱۳۵۴) مؤید این دیدگاه است. در مواردی نیز که مرتکب خودکشی یا خودزنی، کمتر از هجده سال داشته باشد، مشاهده‌گر به موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۹۹)، مکلف به ممانعت از نتیجه یا تشدید آن است. همچنین، اگر مشاهده‌گر بر اساس تعهد یا وظیفه قانونی ملزم به مراقبت از دیگری باشد، انفعال او در برابر خودکشی یا خودزنی می‌تواند با رعایت شرایط ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، جنایت محسوب شود. به‌نظر می‌رسد، رضایت به مرگ خودخواسته (أتانازی) یا برخی خودزنی‌های ناروا، مانند خودآزاری مازوخیستی، میل شدید به جراحت در جریان فعالیت جنسی، فرو کردن تیغ یا چاقو در بدن، ختنه دختران و نظایر این‌ها، مانع اعمال زور نمی‌شود.

استناد: آقایی‌نیا، حسین؛ رستمی، هادی (۱۴۰۳). اعمال زور برای جلوگیری از خودکشی و خودزنی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۴ (۱)، ۱-۱۸. DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.98400>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.



<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.98400>

۱. مقدمه

رفتار عمدی علیه تمامیت جسمانی خویش با قصد خودکشی یا خودزنی، هرچند به دلایل اخلاقی و مذهبی، امری مذموم و نکوهیده است، اما در جرم شناختن این عمل، مناقشات فراوانی وجود دارد. به لحاظ نظری و اصول جرم‌انگاری، جرم شناختن خودکشی و خودزنی با اصول مشروعیت‌بخش اجبار، مانند اصل ضرر به غیر، توجیه‌پذیر نیست و از این رو، نظام‌های کیفری متکی به لیبرالیسم، نظیر دولت‌های اروپای غربی، به‌طور معمول خودکشی و اقدام به آن را جرم نمی‌شناسند.^۱ در مقابل، می‌توان با تکیه بر سایر اصول و معیارهای محدودکننده آزادی مانند اصل پدرسالاری یا اخلاق‌گرایی قانونی، اقدام به خودکشی یا خودزنی را جرم و مشمول مجازات دانست.^۲ در واقع، بسته به نگرش دولت‌ها و نوع جهان‌بینی آنها در خصوص موضوع، پاسخ‌ها متفاوت است و البته، در این میان، برخی مصلحت‌ها و پیامدهای اجتماعی و نیز محدودیت‌های بین‌المللی در جرم‌انگاری رفتارها تأثیرگذارند. نظریه‌ها و ایدئولوژی‌ها صرفاً جهت‌گیری کلی قوانین کیفری را مشخص می‌کنند و از این رو، ممکن است حتی در یک نظام سیاسی متکی به پدرسالاری نیز خودکشی یا خودزنی جرم نباشد. مطابق قوانین کیفری ایران، خودکشی یا اقدام به خودکشی یا خودزنی، جز در موارد استثنایی، جرم نیست. جرم نبودن خودکشی در حقوق ایران، گاه ناشی از ملاحظات مربوط به شخص است که با مرگ خودخواسته، پاسخگویی در قبال عمل انجام‌شده را غیرممکن می‌سازد و گاه ناشی از ملاحظات شرعی است که با آنکه خودکشی در زمره گناهان کبیره به‌شمار می‌رود، مجازات دنیوی ندارد.^۳ البته جرم نبودن خودکشی یا خودزنی به‌منزله مجاز بودن معاونت در آنها (به‌عنوان جرم مستقل) یا کنش‌های تسهیل‌کننده نیست و بعضی کشورها از دیرباز این اقدامات را جرم‌انگاری کرده‌اند (ر.ک: لفیو، ۱۳۹۷: ۲۶۳ و بعد؛ Feinberg, 1988: 213). قوانین کیفری برخی کشورها مانند کانادا (ماده ۲۴۱ قانون مجازات)،^۴ هندوستان (ماده ۳۰۶ قانون مجازات)،^۵ انگلستان (بخش ۵۹ قانون عدالت و بازپرسان)،^۶ آمریکا و استرالیا،^۷ به‌صراحت مشاوره دادن، تحریک کردن، مساعدت و تشویق دیگران جهت اقدام به خودکشی را جرم می‌دانند. در حقوق ایران، مطابق بند «ب» ماده ۷۴۳ قانون تعزیرات (۱۳۸۸)، رفتارهایی چون تحریک، ترغیب، تهدید، دعوت، تسهیل شیوه ارتکاب یا آموزش خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی جرم محسوب می‌شود. افزون بر این، بر اساس ماده ۵۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲)، خودزنی یا تهدید به آن به قصد فرار یا ارباب فرمانده یا رئیس یا معافیت از خدمت یا انتقال به مناطق مناسب‌تر یا کسب امتیازهای دیگر، جرم و کیفر حبس دارد.

۱. خودکشی در انگلستان یک جرم کامن‌لو (جنایت) بود که مجازات آن، تدفین در بزرگراه یا فرو کردن چوبی در بدن خودکشی‌کننده و مصادره تمام اموالش به نفع دولت سلطنتی بود. مصادره اموال و اشکال خفت‌بار تدفین در آمریکا نیز مرسوم بودند که در حال حاضر لغو شده‌اند (لفیو، ۱۳۹۷: ۲۶۰). انگلستان و ولز، جرم بودن خودکشی تام (موفق) را از طریق قانون خودکشی (۱۹۶۱) لغو کردند و جمهوری ایرلند این کار را در سال ۱۹۹۳ انجام داد (ر.ک: Columba, 2007: 24).

۲. برای آشنایی با اصول محدودکننده آزادی، ر.ک: رستمی، ۱۳۹۹: ۲۳۹؛ محمودی جانکی، ۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۵۷.

۳. در خصوص حرمت شرعی خودکشی، ر.ک: عسگری؛ خدیری خان‌آبادی و صالحی، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۲۱.

4. Article 241 (1), Criminal Code of Canada (1985). In: <https://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts>.

5. Article 306, India's Penal Code (2011). In: <https://www.endvawnow.org>.

6. Coroners and Justice Act 2009, Section 59. In: [Legislation.gov.uk](http://legislation.gov.uk).

۷. در این زمینه، ر.ک: https://en.wikipedia.org/wiki/Suicide_legislation

صرف نظر از جرم بودن یا نبودن خودکشی یا خودزنی، این موضوع که آیا اشخاص حق دارند، آگاهانه جان خود را بستانند یا به آن صدمه بزنند، از نظرگاه‌های مختلفی مورد بررسی است^۱ و دست کم در خصوص حق بودن یا نبودن این پدیده، اجماع و اتفاق نظری وجود ندارد و بر همین مبنا، برخی نویسندگان، با تکیه بر اسناد بین‌المللی، آن را به‌عنوان یک مشکل جدی برای سلامت روانی محسوب کرده‌اند (ر.ک: Leenaars, 2003: 144). نگرش‌های وظیفه‌گرایانه، چنین حقی را به‌شدت انکار می‌کنند. به باور ایمانوئل کانت، خودکشی انهدام انسانیت است و انسان را نازل‌تر از حیوانات قرار می‌دهد، حال آنکه در جهان ارزش‌های بالاتری از حیات وجود دارند. مراعات اخلاق بسی بالاتر از حفظ حیات است. بهتر است زندگی فدا شود تا اینکه اخلاق تباه گردد؛ ضرورتی ندارد که انسان زنده بماند، اما ضروری است زمانی را که به‌عنوان انسان زندگی می‌کند، شرافت داشته باشد. شخصی که حاضر است جان خود را بستاند، شایسته زندگی کردن نیست. محرک ادامه زندگی سعادت و شرافت است (کانت، ۱۳۹۹: ۲۱۶). بدین‌سان، پذیرش خودکشی و خودزنی با توجیه حق شخصی در نگرش لیبرال‌هایی چون کانت توجیه‌پذیر نیست. ممکن است در مخالفت با دیدگاه مذکور، با توسل به پیش‌فرض‌هایی چون خودمختاری، کرامت انسانی و حق بر حریم خصوصی، خودکشی و به‌ویژه حق بر مرگ آسان (أتانازی) که امروزه توجیهات قدرتمندی دارد، توجیه شود؛ اما هنوز برهان‌های فلسفی و اخلاقی این توجیه محل تردید است و در هیچ یک از اسناد حقوق بشری، چیزی به نام حق مرگ یا حق بر صدمه شناسایی نشده است (ر.ک: مستفیضی و بالوی، ۱۳۹۶: ۹۲). از این رو، قانونگذاران برخی کشورها به‌صراحت اجازه می‌دهند تا مشاهده‌گر خودکشی، در صورت لزوم به زور متوسل شده و مانع از اقدام به خودکشی توسط دیگری شود (Costa & Duffy, 1991: 315). منظور از «زور» در اینجا، به‌کارگیری هرگونه اقدام توسط شخص ثالث (مشاهده‌گر) برای پیشگیری از خودکشی و خودزنی است و این اقدام، حسب ضرورت می‌تواند وصف مجرمانه داشته باشد یا فاقد این وصف باشد.

با فرض قبول حق مداخله و توسل به زور توسط اشخاص به‌منظور جلوگیری از این رفتارها، در آن صورت، مبانی حقوقی توجیه‌کننده این حق چیست؟ در شرایطی که شخص با ایراد صدمه به خویش، حیات و سلامتی‌اش را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد یا می‌کوشد با انجام رفتاری خطرناک مانند آماده شدن برای سقوط از پرتگاه یا پریدن به داخل دریا یا کشیدن ماشه اسلحه به حیات خود پایان بخشد، اقدام مشاهده‌گر، با کدام قاعده حقوقی توجیه می‌شود؟ آیا موانع مسئولیت کیفری مانند دفاع مشروع یا اجرای قانون اهم می‌توانند راهگشا باشند؟ اگر به‌کارگیری زور به دفاع محدود شود، از آنجایی که دفاع حق است، این حق می‌تواند با ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک مصدومان و رفع مخاطرات جانی (۱۳۵۴) که مشاهده‌گر خطر جانی را مکلف به دفع خطر می‌کند، در تعارض قرار گیرد. بنابراین نحوه تعامل و ارتباط دفاع و دیگر موانع مسئولیت با ماده واحده مذکور، مسئله دیگری است که باید به آن پرداخته شود. این موضوع در شرایط پیچیده می‌شود که مشاهده‌گر بر اساس قانون یا تعهد، مکلف به مراقبت از دیگری باشد و به‌رغم این تکلیف، از کمک به شخصی که اقدام به خودکشی یا خودزنی می‌کند یا درصدد انجام آن است، خودداری ورزد.

با توجه به ملاحظات مذکور، این مقاله می‌کوشد اعمال زور برای جلوگیری از خودکشی و خودزنی را که در نوشته‌های حقوقدانان توجه چندانی به آن نشده است، مطرح و مبانی و شرایط آن را بررسی و تحلیل کند. اغلب کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با این موضوع، خودکشی یا خودزنی را در

۱. از نظر دیوان عالی کشور ایالات متحده آمریکا، پذیرش حق خودکشی مستلزم نقض «قرن‌ها دکتین اصل قانونی بودن و رویه قضایی است و خطمشی منتخب تقریباً تمام ایالات را به چالش می‌کشد». مبنای این دیدگاه به این دلیل است که خودکشی به‌عنوان یک عمل مجرمانه یا خلاف قانون توصیف می‌شود، هرچند نه قابل مجازات و نه جرم به مفهوم اخص آن باشد (ر.ک: لقیو، ۱۳۹۷: ۲۶۰ و ۲۶۷).

سطح کلی مورد توجه قرار داده‌اند و مقوله اعمال زور در برابر این پدیده‌ها که موضوع و ایده اصلی این مقاله است، پیشینه‌ای در حقوق ایران ندارد. از این رو، مطالب در دو بخش کلی، نخست، مبانی حقوقی اعمال زور برای ممانعت از خودکشی و خودزنی در پرتو مقررات دفاع مشروع و مقررات خاص مربوط به رفع مخاطرات جانی (۱) و دوم، چالش‌های اعمال زور و پیامدهای امتناع از آن (۲) با تمرکز بر مقوله اُتانازی، خودزنی و ترک فعل موضوع ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مطرح و بررسی می‌شوند.

۲. مبانی حقوقی اعمال زور

جهت‌گیری کلی بحث‌های نظری در خصوص جرم‌انگاری و کیفرگذاری، آن است که رفتار آدمی تا زمانی که متضمن ایراد ضرر عمدی و ناروا به دیگری نباشد، نباید جرم شناخته شود. مواردی چون خودکشی و اُتانازی (مرگ خودخواسته)، به این دلیل که به‌طور مستقیم به دیگران ضرری نمی‌رسانند، نباید در قلمرو مداخلات حقوق کیفری قرار گیرند (Feinberg, 1986: 8). مسیر مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی، انحرافات و امور غیراخلاقی، توسل به ضمانت‌اجراه‌های کیفری نیست و حقوق کیفری باید به‌مثابه آخرین راهکار مورد توجه باشد.^۱ حال که خودکشی یا خودزنی جرم نیست، چگونه می‌توان با مداخله و اعمال زور، مانع وقوع آنها شد؟ بر اساس قرائت‌های مذهبی، آدمیان، به لحاظ اخلاقی حق کشتن یا ایراد صدمه به خویشان را ندارند و به لحاظ شرعی نیز آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء به صراحت با بیان «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»، خودکشی را نهی می‌کند. حق تعیین سرنوشت تا به آنجا نیست که آدمی بتواند جان خود را که بالاترین موهبت الهی است، بستاند یا صدمه شدید و ناروایی بر تمامیت جسمانی‌اش وارد کند (ر.ک: عسگری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۶). بر همین مبنا، به باور برخی نویسندگان، جلوگیری از خودکشی و خودزنی از منظر حقوق بشری، حفاظت از حیات شخص است و دولت‌ها و شهروندان مکلفند از جان و سلامتی اشخاصی که آزادانه اقدام به خودکشی یا خودزنی می‌کنند، به‌طور کامل حمایت کنند. این حمایت، مغایر با حق تعیین سرنوشت نیست و بلکه، کوتاهی و عدم اعمال زور در این خصوص، نقض حق حیات به‌شمار می‌رود، زیرا حق حیات حقی است با سه مکلف: خود فرد، دیگر افراد و دولت. اقدام فرد به نقض حق خویش نمی‌تواند نافی مسئولیت دولت یا شهروندان در دفاع از حیات وی باشد (قاری سیدفاطمی، ۱۴۰۱: ۴۹-۵۱). صرف‌نظر از توجیهات مذهبی یا اخلاقی یا حتی حقوق بشری برای مقابله با خودکشی و خودزنی و اینکه همواره می‌توان برهان‌های مخالف برای این ادعاها تراشید و فرضیه‌ها را به چالش کشید، به لحاظ حقوقی و فنی، اقدام شخص برای جلوگیری از خودکشی مبتنی بر انگیزه احسان و کمک به دیگری است و چنین عمل نیکوکارانه‌ای نه‌تنها مذموم نیست، بلکه به لحاظ عقلی و اخلاقی قابل دفاع و توجیه‌پذیر است. از این رو در بادی امر، نهاد دفاع مشروع که امروزه به‌عنوان یک تأسیس حقوقی در قوانین کیفری دنیا به رسمیت شناخته شده است، می‌تواند توجیه‌کننده مداخله و استفاده از زور برای دفع خودکشی و خودزنی باشد.

۲.۱. اعمال زور با توجیه دفاع مشروع

دفاع برای جلوگیری از وقوع خودکشی یا خودزنی را می‌توان از جنبه‌های گوناگونی توجیه کرد. اقدام شخصی که به دنبال ستاندن جان خویش است یا بنا دارد به تمامیت جسمانی‌اش آسیب شدید و

۱. درباره این بحث مهم که جرم‌انگاری، کیفرگذاری، کیفرگزینی و کیفردهی و در مجموع، حقوق کیفری باید به‌مثابه آخرین راهکار یا واپسین راه‌حل برای مقابله با انحرافات یا کجروی‌های اجتماعی باشد (ر.ک: Husak, 2004: 207-235؛ برای دیدن برگردان فارسی این مقاله، ر.ک: هوساک، ۱۳۹۶: ۹۳ و بعد، همچنین، Wendt, 2013: 81-94).

ناروایی بزند، در بادی امر و بدون نیاز به هرگونه توجیه و استدلال و براساس باورهای شهودی، ناموجه و برنتافتنی است. بی‌گمان، شخصی که در مقام دفاع از چنین شخصی برمی‌آید، جان و حیات دیگران را مطابق آموزه‌های الهی و اخلاقی، مهم می‌داند و خویشان را برای نجات جان دیگری در مخاطره می‌افکند. شناسایی دفاع مشروع در قوانین کیفری، مبانی و توجیهات فلسفی و عقلانی دارد. شخص در غیاب دولت با دفاع کردن، حقی را که با تجاوز یا خطر نفی شده است، اعاده می‌کند. مبانی و خاستگاه چنین حقی، از نظرگاه‌های گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است^۱، اما توجیه دفاع نسبت به شخصی که درصدد آسیب‌رسانی به خویشان است، پدیده نوظهور و مستلزم تبیین است.

برخلاف قوانین کیفری ایران که صراحتی در این خصوص ندارند، قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا^۲، به صراحت اعمال زور برای جلوگیری از خودکشی یا خودزنی را پیش‌بینی کرده است. به موجب قسمت «الف» بند ۵ ماده ۷-۳ این قانون: «استفاده از زور علیه یا در برابر شخص دیگر، آنگاه موجه است که مرتکب باور داشته باشد که اعمال چنین زوری برای پیشگیری از خودکشی شخص دیگری، ایراد صدمات عمدی شدید بر خویش، ارتکاب یا تکوین ارتکاب جرمی که درگیر آن است یا تهدید به صدمات بدنی، ایراد خسارت یا از بین بردن مال یا اخلال در امنیت ضرورت فوری دارد...» (آقایی‌نیا و محمودی، ۱۴۰۰: ۹۴). بر اساس این مقرر، استفاده از زور به شرط رعایت محدودیت‌های آن (موجه بودن)، برای مقابله با خودکشی یا صدمه بر خویشان، مجاز و قانونی است. استفاده از اقدام کشنده برای جلوگیری از این رفتارها مجاز نیست، مگر آنکه مرتکب بر این باور باشد که اقدام شخص سبب وقوع مرگ یا صدمات شدید بدنی به دیگری شود که در این صورت، اقدام کشنده برای دفاع از دیگری جایز است. در اقدامات انتحاری (خودکشی‌های عقیدتی به قصد دیگرکشی)، همواره این خطر محتمل است و همین موضوع، مجوزی برای استفاده از اقدام کشنده علیه شخص در حال خودکشی است، مگر آنکه عملیات انتحاری (خودکشی)، موجه و برای دفاع از کشور یا تمامیت ارضی در مقابل گروه مهاجم باشد.

عدم پیش‌بینی این مقررات در قانون مجازات ایران، ممکن است به این نتیجه دامن بزند که همان‌گونه که خودکشی یا خودزنی در قوانین کیفری جرم نیست، اعمال زور برای متوقف کردن آن فاقد وجهت قانونی است. وانگهی، دفاع در مقابل تهاجم دیگری است و در خودکشی یا خودزنی تهاجمی وجود ندارد که مجوز اقدام دفاعی باشد. به نظر می‌رسد، این استدلال مردود باشد، زیرا جرم نبودن این اقدامات، نافی دفاع از شخص در معرض خطر نخواهد بود و دفاع به‌منزله دفع تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع است. به شرحی که در مقدمه گفته شد، هیچ‌گونه قاعده حقوقی یا سند حقوق بشری وجود ندارد که خودکشی یا خودزنی را به عنوان یک حق شخصی و مرتبط با حریم خصوصی شناسایی کند. مطابق پروتکل WHO، هیچ حقی برای خودکشی در عمل درمانی وجود ندارد و هیچ‌کس نمی‌تواند برای انجام این کار، از خدمات پزشکی مدد بگیرد (Leenaars, 2003: 143)، برعکس، مقابله و پیشگیری از خودکشی و اعطای خدمات درمانی به اشخاصی که قصد خودکشی و آسیب‌رسانی به خود دارند، یک سیاست جهانی است و در همین زمینه، در تقویم جهانی، ۱۰ سپتامبر (۱۹ شهریور)، روز جهانی پیشگیری از خودکشی نامیده شده و از سال ۲۰۰۳ سیاست‌هایی برای مقابله

۱. برای اطلاع از نگرش‌های فلسفی در خصوص حق دفاع مشروع، ر.ک: علی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۲۷؛ شمس‌ناتری و عبدالله‌یار، ۱۳۸۹: ۱۱۳ و بعد.

۲. قانون جزای نمونه آمریکا، محصول تلاش ده ساله مؤسسه حقوق آمریکا که سازمانی غیردولتی و متشکل از قضات عالی‌رتبه و حقوقدانان بود، در سال ۱۹۶۲ تدوین شد. این قانون هرچند برای قضات الزام‌آور نیست، اما منبع قوی برای اصلاح قوانین ایالت‌ها، تفسیر و اجرای قواعد حقوقی در دادگاه‌ها و سرانجام، توسعه نظریه‌های حقوقی است.

با آن دنبال می‌شود. بنابراین، حق دفاع مشروع، مداخله و اعمال زور در این حالت، تقابلی با خودمختاری شخص ندارد و بلکه در راستای ارتقای آن است.

مطابق فراز نخست ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود...». در این متن، هیچ تأکید و تصریحی بر ضرورت مجرمانه بودن تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع وجود نداشته و قانون منصرف از این تفکیک‌هاست. با توجه به واژه «خطر» در قانون، دفاع در برابر هرگونه خطری که شخص را تهدید می‌کند، حتی خطری که ایجادکننده آن خود شخص باشد، جایز است. بدین ترتیب، شخصی که در مقام پیشگیری از خودکشی یا خودزنی برمی‌آید، مرتکب رفتارهای مجرمانه، مانند بستن اعضای بدن یا بازداشت یا بی‌هوش کردن یا ایراد ضرب و جرح نسبت به آن شخص می‌شود، با رعایت شرایط و مراتب دفاع، قابل مجازات نیست. ممکن است برخی در مخالفت با دیدگاه مذکور و عدم پذیرش دفاع در مقابل خودکشی، به شرط مقرر در بند «پ» ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی، استناد کنند: «خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد». با این توجیه، خودکشی یا خودزنی یک اقدام آگاهانه و تعمدی است و دفاع در این شرایط توجیه‌پذیر نیست. صحت این استدلال محل تردید است، زیرا شرط مذکور ناظر به شخصی است که آگاهانه خطر یا تجاوز علیه دیگری را فراهم می‌کند که در این صورت، چنین شخصی که خود در واقع مهاجم و متجاوز است، نمی‌تواند به مقررات دفاع متوسل شود و حال آنکه در خودکشی و خودزنی، شخص در مقام دفاع یا استناد به آن قرار نمی‌گیرد و صرفاً یک عامل خطر برای خویش است. بنابراین، مقررات دفاع به طور معمول، برای دفاع از خود یا دیگری در برابر تجاوز یا خطر فعلی یا نزدیک است و قانون محدود به دفاع در برابر مهاجم ثالث نیست و دست‌کم اطلاق مواد قانونی چنین قیدی را بر نمی‌تابد.

افزون بر حق دفاع که ارتباط مستقیم با اعمال زور دارد، مقررات اجرای قانون هم نیز که در بند «ب» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، تصریح شده است، می‌تواند مجوز اقدام برای مقابله با خودکشی و خودزنی باشد. ارزش حیات و سلامتی اشخاص به‌عنوان یک ارزش برتر (اهم) ارتکاب رفتارهای مجرمانه را توجیه می‌نماید.^۱ شخصی که برای حمایت از ارزش برتر (اهم)، ارزش پایین‌تر (قانون مهم) را نقض می‌کند، مستحق برخورد کیفری نیست و خسارتی هم قابل مطالبه نیست. بر همین مبنا، در مقابل شخصی که دارای اطلاعات و اسرار مهمی است که برای کشور حیاتی است و او برای آنکه اطلاعات را لو ندهد، دست به خودکشی می‌زند، با توجه به قانون هم می‌توان متوسل به زور شد. با این حال، حق محسوب شدن توسل به زور در مقام دفاع از خود یا دیگری یا اجرای قانون هم بعضاً با مقررات دیگری که شخص را مکلف به دفع خطر می‌کنند، در تعارض قرار می‌گیرند.

۲.۲. اعمال زور برای رفع مخاطرات جانی؛ حق یا تکلیف؟

پرسش شایان توجه در این خصوص، آن است که اعمال زور یا اقدام برای ممانعت از خودکشی یا خودزنی، تکلیف است یا حق؟ اگر پاسخ به این پرسش صرفاً از چشم‌انداز مقررات دفاع مشروع دیده شود، شخص تکلیفی به ممانعت نخواهد داشت، اما مقررات دیگری وجود دارند که در موارد بیم خطر جانی، جواز را به الزام تبدیل می‌کنند.

۱. بر اساس بند «ب» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد»، اقدام مرتکب قابل مجازات نیست. مخاطبان قانون هم، صرفاً مأموران دولتی نیستند و شهروندان عادی را نیز در برمی‌گیرد.

۲.۲.۱. الزام قانونی مشاهده‌گران خطر

قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی (۱۳۵۴)، با تمرکز بر اشخاص در معرض خطر جانی، کمک و مداخله برای جلوگیری از خطر یا تشدید نتیجه را به‌مثابه یک وظیفه همگانی مقرر می‌کند. به لحاظ نظری، منشأ خطر جانی در این مورد، اهمیت ندارد و خطر می‌تواند ناشی از بیماری یا رخداد طبیعی یا اقدام عمدی یا غیرعمدی شخص ثالث یا حتی رفتار خود قربانی در چارچوب خودکشی یا خودزنی باشد (ر.ک: پرادل، ۱۳۸۶: ۲۴۸). البته، چنانچه خطر جانی منشأ قانونی داشته باشد، مانند اجرای حکم قصاص یا دفاع مشروع در برابر تهاجم غیرقانونی، اعمال زور جایز نیست. به موجب بند ۱ ماده واحده: «هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید. به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی ... محکوم خواهد شد». در این مورد، اگر مرتکب (تارک فعل) از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنماید یا آنکه برحسب وظیفه یا قانون مکلف به مساعدت و اقدام لازم بوده است، در آن صورت، مجازات وی تشدید می‌شود. به باور برخی نویسندگان، جرم‌انگاری حداکثری در ماده واحده و مخاطب قرار دادن آحاد شهروندان در قبال اشخاص در معرض خطر، بر اساس پژوهش‌ها و داده‌های آماری، چندان با روحیات مردم و واقعیت‌های زندگی اجتماعی در ایران سازگاری ندارد (یزدیان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۳) و همین نیز عامل متروک ماندن این قانون در رویه قضایی شده است.

۲.۲.۲. گستره تکلیف

ماده واحده، به لحاظ پیشینه تاریخی متأثر از حقوق فرانسه است که نوعدوستی و نیکوکاری را به‌مثابه یک وظیفه برای همگان در نظر گرفته است. برعکس، در حقوق کامن‌لو، اشخاص برای ترک فعل مسئول شناخته نمی‌شوند، مگر آنکه به لحاظ قانونی وظیفه مراقبت از دیگری را داشته باشند (ر.ک: قورچی‌بیگی و حسینی، ۱۳۹۶: ۶۸). این نگرش در مورد ترک فعل‌ها به‌طور کلی صادق است و برخی از نویسندگان در سنت لیبرال، الزام قانونی ترک فعل را با عنوان «قوانین نیکوکاری»^۱ مورد نقد و چالش قرار داده‌اند؛ به‌ویژه الزام به نجات غریبه‌هایی که به هر دلیلی در معرض خطر جانی‌اند، مغایر با اصل آزادی اشخاص محسوب می‌شود. قوانین نیکوکاری، شهروندان را به انجام کاری ملزم می‌کنند که به لحاظ اخلاقی و عرفی پایبندی به آن ندارند و این نوعی تناقض است (ر.ک: Feinberg, 1984: 163). همچنین، جرم‌انگاری ترک فعل علی‌الاصول، موجب تحدید ساحت آزادی و تحریک اشخاص به مداخله در اموری می‌شود که شخصی محسوب شده و به آنها ارتباطی ندارد.^۲ با این منطبق و این گستره وسیعی که ماده واحده دارد، ظاهراً می‌توان شخصی را که شاهد ارتکاب قتل عمدی توسط دیگری بوده و می‌داند قاتل، نه شخص تحت تعقیب و بلکه دیگری است و با این حال، از ادای شهادت به نفع شخص بی‌گناه و در معرض خطر اعدام، خودداری می‌کند، در شمول آن قرار داد که پذیرش آن دشوار است.

ممکن است استدلال شود که جان و نگاه‌داشتن یا سلب آن، یک امر شخصی است و مداخله در امور شخصی نارواست و از این‌رو، کشتن خود یا صدمه به خویشتن، ارتباطی با دیگران ندارد و آنها نباید برای ترک فعل در این موارد مؤاخذه و تحت پیگرد کیفری قرار گیرند. می‌توان پاسخ داد که این

1. Samaritan Statutes

۲. برای آشنایی تفصیلی با این بحث، ر.ک: قورچی‌بیگی، ۱۳۹۸: ۲۰۵ و بعد.

برهان‌ها در خصوص جرم‌انگاری خودکشی یا خودزنی که مرتکب ضرری را برای خود می‌خواهد، موجه است، اما برای مشاهده‌گر (شخص ثالث) که می‌تواند با اقدام خود، شری را از دیگری دفع کند، مشروط به آنکه وظیفه به مراقبت و حفاظت داشته باشد، توجیه‌پذیر نیست و از این‌رو، جرم شناختن ترک رفتاری که شری به دنبال دارد، با تکیه بر اصل ضرر بلامانع است. هنگامی که انتظار و توقع معقول و متعارفی از شهروندان می‌رود که به لحاظ اخلاقی برای نجات جان دیگران، کاری انجام دهند، امتناع، می‌تواند جرم شناخته شود (Feinberg, 1984: 159). تعیین وظیفه همگانی و مخاطب قرار دادن همه مشاهده‌کنندگان خطر بدون توجه به مسئولیت اجتماعی و جایگاه آنها، آن‌سان که ماده واحده مقرر می‌کند، موجب توسعه افراطی حقوق کیفری و سردرگمی مردم در مواجهه با چنین پدیده‌هایی می‌شود. شهروندان به طور معمول به دلیل ترس از درگیری و ملاحظات دیگر در این قضایا مداخله نمی‌کنند.

قطع نظر از تحلیل مذکور که منطق قابل قبولی دارد، مفاد ماده واحده بیانگر آن است، شخصی که درصد خودکشی است، به‌واقع «در معرض خطر جانی» قرار دارد، بنابراین مشاهده‌گر به شرط امکان و عدم توجه صدمه به خود یا دیگری، باید مداخله نماید و در صورت امتناع، مجرم محسوب می‌شود. بنابراین، مفاد تبصره ۱ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) که دفاع از دیگری را در صورتی جایز می‌داند که «و از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسئولیت دفاع از وی بر عهده دفاع کننده باشد، یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد»، با مفاد ماده واحده که حکم به مداخله فوری برای دفع خطر از دیگری می‌نماید، در تعارض است. تعارض به این دلیل که تبصره مذکور، اجازه (حق) دفاع را می‌دهد و حال آنکه، ماده واحده، اقدام را الزامی می‌داند. در همه مواردی که دفاع از دیگری با مقررات ماده واحده تداخل می‌کند، این مشکل قابل طرح است. به نظر می‌رسد هنگامی که شخص در معرض خطر، صرف نظر از آنکه خطر را دیگری ایجاد کند یا ناشی از خودکشی یا خودزنی باشد، در آستانه خطر «جانی» قرار گیرد، دفاع به یک تکلیف تبدیل می‌شود. از این‌رو، مفاد تبصره ۱ ماده ۱۵۶ منصرف از خطر جانی است. در موارد خطر جانی، مشاهده‌گر به شرط توانایی، مطابق ماده واحده، وظیفه اقدام و دفاع از دیگری را دارد.

۲.۱.۲.۲. چالش اقدام مجرمانه

مشاهده‌کنندگان مخاطرات جانی بر اساس ماده واحده، مکلف به «اقدام فوری ... یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار» هستند و اینکه آیا «اقدام فوری» می‌تواند رفتار مجرمانه را شامل شود، موضع قانونگذار روشن نیست. از این‌رو، پرسش اساسی آن است که آیا اعمال زور مجرمانه مانند توسل به خشونت یا توقیف فرد یا بستن اعضای بدن یا بی‌هوش کردن وی برای دفع خطر خودکشی یا خودزنی توجیه‌پذیر است؟ هرچند ماده واحده، تصریحی در این خصوص ندارد، اما مقررات دفاع، اجرای قانون اهم یا حتی اضطرار که با این بحث همپوشانی دارند، مجوز ارتکاب جرائم مذکور را می‌دهند. بنابراین، فردی که به حکم ماده واحده و با شرایط مقرر در آن، مکلف به رفع مخاطرات جانی است، برای مقابله با خودکشی یا خودزنی ناگزیر دست به ارتکاب جرم بزند، به شرط رعایت تناسب، مطابق قواعد مذکور قابل مجازات نیست. از آنجایی که در این موارد، اقدام مشاهده‌گر برای دفع خطر جانی، مبتنی بر «انگیزه احسان و کمک به دیگری» است، به تصریح ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، در صورت وقوع «صدمه یا خسارت»، به شرط «رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی» مسئولیت مدنی در پی نخواهد داشت. با این منطق، نه تنها ارتکاب رفتارهای مجرمانه برای حمایت از جان اشخاص، در مقام عمل به تکلیف موضوع ماده واحده، با رعایت مقررات، مجاز است، بلکه ایراد خسارت و صدمه در موارد اضطراری نیز بلامانع است.

۲.۲.۲. کودک یا نوجوان در معرض خطر

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) مقررات مشابهی در خصوص الزام اشخاص به دفع خطر پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۷ این قانون، مشاهده‌گر و مطلع از «وقوع جرم یا شروع به آن یا خطر شدید و قریب‌الوقوع علیه طفل یا نوجوان» را مکلف به اعلام موضوع به مقامات و کمک طلبیدن کرده است. در صورت دسترسی نداشتن به مقامات و مراجع یا عدم تأثیر دخالت آنها در رفع تجاوز و خطر، چنانچه مشاهده‌گر یا مطلع «...از اقدامات فوری و متناسب برای جلوگیری از وقوع خطر و یا تشدید نتیجه آن امتناع کند، مشروط بر اینکه با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر و یا خطر کمتر قابل توجهی متوجه خود او یا دیگران نشود، به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود». اگر مرتکب از افرادی باشد که مطابق قوانین یا برحسب وظیفه شغلی مکلف به اعلام گزارش با کمک هستند و یا به اقتضای حرفه خود می‌توانند کمک مؤثری کنند، مجازات وی به تصریح تبصره این ماده، تشدید می‌شود. بی‌گمان خودکشی یا خودزنی کودک یا نوجوان نیز مشمول حکم مذکور است و واژگان «خطر شدید و قریب‌الوقوع» اطلاق دارند و هر دو را پوشش می‌دهند. آنچه مانع مداخله و اعمال زور می‌شود، بیم وقوع خطری مشابه یا شدیدتر یا کمتر، اما قابل توجه‌تر از خطری است که کودک یا نوجوان را تهدید می‌کند. در این ماده نیز همچون ماده واحده، قانونگذار نسبت به ارتکاب رفتار مجرمانه در مقام دفع خطر سکوت کرده است، اما چنانکه گفته شد، ارتکاب جرم در این موارد با استناد به مقررات دفاع یا اضطرار یا اجرای قانون اهم، توجیه‌پذیر است.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، در مقایسه با ماده واحده ۱۳۵۴، گستره وسیع‌تری دارد و افزون بر شاهدان خطر، مطلعان را نیز در برمی‌گردد. با توجه به شرایط جسمانی و روانی کودکان و نوجوانان و قابلیت بزه‌دیدگی و خطرپذیری آنها، مسئول شناختن همه شهروندانی که ناظر یا مطلع از خطر شدید و قریب‌الوقوع هستند، توجیه‌پذیر است و از این رو، ایراد ماده واحده بر آن صادق نیست. البته در ایالات متحده آمریکا، صرفاً برخی از مشاغل و اصناف مانند مددکاران اجتماعی، معلم‌ها، کارکنان مدارس، پزشکان و کارکنان شاغل در حوزه مراقبت و پلیس مکلف‌اند که کودک‌آزاری را گزارش دهند و اقدامات فوری و متناسب را برای حمایت از کودک یا نوجوان در معرض خطر اتخاذ کنند (ر.ک: مشکات، ۱۳۹۸: ۱۶۲).

با این حال، قانون مذکور به‌رغم آنکه چهل‌وپنج سال پس از ماده واحده ۱۳۵۴ تصویب شده و موضوع آن نیز «طفل و نوجوان» است، از حیث کیفرگذاری، کارآمدی لازم را ندارد. کودکان و نوجوانان به لحاظ ویژگی‌ها و شرایطی که دارند، مستلزم حمایت کیفری قوی‌تری هستند. این مجازات‌ها و به‌ویژه آزادی عمل قضات در تعیین مصادیق مجازات‌های درجه شش که می‌تواند صرفاً جزای نقدی درجه شش یا انتشار حکم محکومیت را شامل شود، در عمل کارایی و بازدارندگی قانون را تضعیف می‌کند.

۳. چالش‌های اعمال زور و پیامدهای امتناع

آنچه از مقررات مربوط به دفاع از دیگری و نیز قوانین مربوط به رفع مخاطرات جانی، استنباط می‌شود، آن است که شخص مورد حمایت باید در معرض خطر شدید فوری یا قریب‌الوقوع باشد. از این رو، استفاده از زور برای ممانعت از خودکشی یا خودزنی، زمانی موجه است که شخص بر اساس قرائن معقول بر این باور باشد که کاربست چنین زوری به‌فوریت و به‌منظور حفاظت از جان دیگری ضرورت دارد. تأکید بر فوریت، به این معناست که هیچ توجیهی برای مداخله پیشگیرانه نسبت به شخصی که ایده خودکشی یا خودزنی در سر می‌پروراند یا آن را به زبان آورده است، وجود ندارد؛ تا

زمانی که فرد گام اساسی برای عملی ساختن قصد خویش برداشته است، استفادهٔ پیشدستانه از زور برای ممانعت از خودکشی یا خودزنی مجاز نیست.^۱ اشتباه متعارف در اینکه شخص در حال خودکشی یا خودزنی است یا آنکه مقاصد دیگری در سر می‌پروراند، می‌تواند از موانع مسئولیت‌کیفری مداخله‌کننده یا تقلیل مسئولیت وی باشد.

برخی از مصادیق خودکشی مانند اُتانازی یا خودزنی‌های که در بادی امر نفرت‌انگیز نیستند یا جراحات شدید یا معیوب‌کننده محسوب نمی‌شوند، چالش‌برانگیز بوده و مستلزم بحث و بررسی‌اند. بدیهی است، پافشاری بر مرگ از طریق کمک و همکاری شخص ثالث، مصداقی از خودکشی محسوب می‌شود؛ هرچند که این نوع خودکشی ممکن است تسهیل‌کنندهٔ آن را در مظان اتهام قتل عمدی قرار دهد. به همین ترتیب، رضایت به ایراد صدمه به خود از طریق دیگری، نوعی خودزنی داوطلبانه و مساعدت‌شده است.

۳.۱. اُتانازی یا خودکشی مساعدت‌شده

اُتانازی یا خودکشی مساعدت‌شده، از پدیده‌هایی است که امروزه دیدگاه‌ها نسبت به آن، به سرعت در حال تغییر بوده و مذموم بودن آن محل مناقشه جدی است. اُتانازی اشکال گوناگونی دارد و در اینجا شکلی از آن مورد توجه است که شخص از بیماری صعب‌العلاجی که زندگی را برایش مشقت‌بار کرده است، رنج می‌برد و مترصد فرصتی است که برای رهایی از آن، به حیات خویش پایان بخشد یا از دیگری بخواهد این کار را برای او انجام دهد. این روش را اُتانازی خودخواسته یا داوطلبانه^۲ یا خودکشی مساعدت‌شده^۳ می‌گویند. هرچند تا پیش از دههٔ هشتاد میلادی، اُتانازی در بیشتر کشورهای جهان بر اساس دیدگاه‌های مذهبی مردود بود، اما با قانونی شدن آن در سوئیس در ۱۹۴۲ و هلند در ۱۹۸۴ میلادی و به دنبال آن، بلژیک و ایالت‌های اورگان، واشینگتن، مونتانا، کالیفرنیا، ورمانت و کلرادو آمریکا و برخی کشورهای دیگر، دیدگاه‌ها تغییر یافته و حقوقدانان و جامعهٔ پزشکان نگرش منفی خود را نسبت به این پدیده کم‌رنگ‌تر کرده‌اند. دادگاه عالی در لوزان سوئیس، سال ۲۰۰۶ به یک فرد ناشناس که زمانی طولانی با مشکلات روانی دست به گریبان بود، حق پایان دادن به زندگی خود را اعطا کرد (Appel 2007: 21-23). به‌رغم این تحولات، هنوز در بسیاری از کشورها، این عمل، حتی اگر توسط پزشک انجام گیرد، جرم (جنایت عمدی) تلقی می‌شود و مجازات دارد. انجمن جهانی پزشکان (WMA) در بیانیهٔ خود بر اساس سوگندنامهٔ بقراط، اُتانازی را در هر مصداقی، محکوم می‌کند و آن را غیراخلاقی می‌داند (رستمی، ۱۳۹۹: ۲۴۴).^۴

با این حال، سخن آن است که آیا می‌توان در برابر اقدامات خودخواسته و آگاهانهٔ فرد در شکل اُتانازی، مداخله و جلوگیری کرد و آیا چنین دخالتی مشروعیت دارد. بدیهی است در کشورهایی که این پدیده را قانونی کرده‌اند، ممانعت از آن مشروعیت ندارد و شخص مداخله‌کننده ممکن است در مظان اتهام اعمال زور نسبت به دیگران قرار گیرد. برعکس، در کشورهایی که پدیدهٔ اُتانازی را ممنوع

۱. فوری بودن مداخله در بخش «الف» بند ۵ مادهٔ ۷-۳ قانون جزای نمونهٔ ایالات متحدهٔ آمریکا، تصریح شده است.

2. Voluntary Euthanasia

۳. خودکشی مساعدت‌شده، شکلی از اُتانازی است که با کمک پزشک به حیات بیمار پایان داده می‌شود (ر.ک: لشکری و اسدی، ۱۳۹۹: ۲۱۵). خودکشی انواع گوناگونی دارد و انگیزهٔ فاعل برای خاتمه دادن به حیات مهم نیست. به باور دورکیم، جامعه‌شناس شهیر فرانسوی، خودکشی چه ناشی از خودخواهی باشد و چه ناشی از دگرخواهی و چه متأثر از حالت‌های روان‌پرشی باشد یا آنکه یک اقدام شهادت‌طلبانه محسوب شود، تأثیری در ماهیت این عمل نمی‌گذارد. دورکیم از این هم فراتر رفته و اقدام شخصی را که علیه پادشاه مرتکب جنایت می‌شود و می‌داند که مجازات آن، اعدام است، در طیف خودکشی قرار می‌دهد (ر.ک: دورکیم، ۱۴۰۱: ۳-۸).

۴. بر اساس پژوهش‌های میدانی، بیشتر دانشجویان پزشکی ایران، نگرش منفی نسبت به اُتانازی دارند (ر.ک: روح‌الله‌زاده اندواری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹-۹۸؛ ناصح و همکاران، ۱۳۹۶: ۱-۸).

و مجرمانه اعلام کرده‌اند، مانند بیشتر ایالت‌های آمریکا، آلمان، فرانسه، ترکیه، ایران و تقریباً اغلب کشورهای جهان،^۱ ممانعت از آن در چارچوب استفاده از زور، بلامانع است و حتی عدم مداخله (ترک فعل) می‌تواند جرم محسوب شود. در ایران با توجه به موضع ماده واحده قانون خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی، انفعال در قبال این پدیده به شرط توانایی و امکان دفع آن، جرم و قابل مجازات است. البته با توجه به سختی‌ها و رنج‌هایی که این اشخاص متحمل می‌شوند، ممانعت از آنانازی، به لحاظ نظری، می‌تواند محل بحث و تأمل باشد. رسالت آدمیان در جهان هستی که باید کمک به هم‌نوع و کاستن از رنج و اندوه یکدیگر باشند، با انکار آنانازی، رنج را افزایش می‌دهند و عذاب بیشتری را برای بیمار می‌خواهند. مشروعیت مداخله و اعمال زور در این شرایط، در معرض تردید است.

۲.۳. خودزنی‌ها و تکلیف مشاهده‌گر

شخص در مواردی با رضایت خود، شرایط صدمه به بدن را فراهم می‌کند و این اقدام، می‌تواند جنبه‌های درمانی یا زیبایی یا ورزشی داشته یا آنکه ناشی از بیماری، اختلال روانی و موارد دیگر باشد. اقداماتی نظیر ختنه، خالکوبی، سوراخ کردن بدن^۲ که در جامعه ایرانی رایج است، چارچوب قانونی مشخص ندارند و معلوم نیست دعوی مربوط به آنها، با کدام سازوکار حقوقی حل و فصل می‌شوند. به‌طور قطع، اعمال زور برای ممانعت از این پدیده‌ها به‌علت کثرت شیوع آنها در جامعه و نیز فقدان بیم خطر جانی، توجیه‌پذیر نیست. البته در مورد ختنه دختران که قربانیان آن به‌طور معمول، کمتر از هجده سال هستند، وضعیت متفاوت است. این پدیده که بیشتر ریشه در باورهای فرهنگی سنتی نادرست دارد، در عمل آسیب‌های زیادی به دختران می‌زند.^۳ در مواردی که بیم خطر جانی وجود ندارد و سن قربانی کمتر از هجده سال باشد، مداخله یا اعمال زور با استناد به ماده ۱۷ قانون حمایت (۱۳۹۹)، با رعایت شرایط مقرر، الزامی است و در مواردی نیز که بیم خطر جانی منتفی است و قربانی هجده سال و بالاتر دارد، استناد به دفاع مشروع برای اعمال زور، بلامانع است.

چنانچه رفتار داوطلب متضمن خودآزاری جنسی (مازوخیسم) باشد، اعمال زور برای جلوگیری از ایراد صدمه شدید، محل مناقشه است. برای مثال، برخی افراد، مبتلا به‌نوعی سندروم آپوتمنوفیلیا^۴ (میل شدید به قطع عضو) هستند و بعضاً به لحاظ جنسی این کار را ارضاکنده می‌دانند و گاه از شریک جنسی خود می‌خواهند، به‌هنگام فعالیت جنسی به اعضای آنها صدمه بزنند.^۵ به‌نظر می‌رسد، اعمال زور و مقابله با این رفتارها به‌شرط بیم خطر جانی در چارچوب مقررات مربوط به رفع مخاطرات جانی الزامی است و در غیر این صورت، اعمال زور بر اساس مقررات دفاع، اختیاری است. همچنین، ایراد صدمه شدید برای نیل به لذت جنسی، نفرت‌انگیز است و مداخله شریک جنسی برای ممانعت از آن توجیه‌پذیر است. در یک پرونده منجر به محکومیت در دادگاه عالی آلمان، زنی که مبتلا به هیپوکسی فیلیا^۶ (احساس لذت جنسی ناشی از حس خفگی در مغز) است، با اصرار فراوان از

۱. برای اطلاع از تحولات قانونی کشورها در خصوص آنانازی، ر.ک:

https://en.wikipedia.org/wiki/Legality_of_euthanasia

2. Piercing

۳. سازمان بهداشت جهانی، یونیسف، یونسکو، حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های وابسته به سازمان ملل در بیانیه مشترکی که علیه ناقص‌سازی زنان منتشر نموده‌اند، صریحاً عنوان شده که هیچ سود پزشکی برای ختنه زنان وجود نداشته و برعکس، مشخص شده که این عمل برای دختران و زنان از بسیاری جهات مضر و خطرناک محسوب می‌شود. ر.ک:

https://web.archive.org/web/20090726145619/http://www.who.int/reproductive_health/publications/fgm/fgm_statement_2008.pdf

4. Apotemnophilia

۵. برای دیدن نقش رضایت قربانی در این گونه موارد، ر.ک: کلاکسون، ۱۳۹۸: ۱۳۴۱۲۶-۱۲۶۱۳۴.

6. Hypoxyphilia

شریکش می‌خواهد که لوله‌ای فلزی وارد دهانش کند. مرد برخلاف تمایل قلبی و هشدار خطرهای ناشی از آن، سرانجام تسلیم خواسته زن می‌شود و پس از انجام این کار، تصور می‌کند که او مانند دفعات پیش به خواب رفته است، غافل از اینکه بر اثر خفگی فوت کرده بود (به نقل از برزگر، ۱۴۰۲: ۱۰). رضایت به انجام ورزش‌های پُرخطر که متضمن تهدید جانی باشند، برخلاف مصادیق دیگر، به‌صراحت در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) ممنوع شده است. با توجه به بند «ث» ماده ۱۵۸ ق.م.ا که مقرر می‌دارد: «عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد»، ورزش‌های پُرخطر خلاف موازین شرعی شناخته می‌شوند و از این‌رو، عدم به‌کارگیری زور در مواقع بیم خطر جانی، با رعایت شرایط مقرر در ماده واحده قانون خودداری از کمک به مصدومان، جرم محسوب خواهد شد.

خودزنی‌هایی که به‌هنگام برگزاری آیین‌های مذهبی و غیرمذهبی مرسوم است، مانند قمه‌زنی در سوگواری عاشورای حسینی، خودآزاری‌های برخی دراویش حین سماع صوفیانه که شکل زنده آنها خوردن تیغ، فرو کردن شمشیر، چاقو و سیخ در بدن است و همچنین، خودزنی‌هایی که در قالب فرقه یا گروه و با استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی انجام می‌گیرد و قانونگذار در بند ۱ ماده ۵۰۰ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹) آنها را جرم‌انگاری کرده است، از جمله مواردی است که می‌تواند ممانعت شود، زیرا اقدامات مذکور بعضاً با خطر جانی یا آسیب شدید همراه است. در واقع، وجود خطر شدید و نفرت‌انگیز بودن آن می‌تواند معیاری برای مداخله و مقابله باشد. در این زمینه، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی (۱۳۶۴)، برخی از مصادیق خطر جانی را ذیل فوریت‌های پزشکی مقرر کرده است. مواردی چون خونریزی‌ها، شوک‌ها، اغما، تشنجات، اختلالات تنفسی شدید و خفگی‌ها، مجوز اقدام فوری پزشکی هستند. مهم نیست که این حوادث ناشی از رفتار دیگری باشند یا معلول خودکشی یا خودزنی. این فهرست قدیمی، هرچند با توجه به تحولات و پیشرفت‌های علم پزشکی، امروزه جامعیت ندارد، اما مصادیق آن در مجموع سطح خطر جانی و آسیب را برای مشاهده‌گر روشن می‌کند.

۳.۳. امتناع از اعمال زور و جنایت عمدی

موضوع دیگری که ضرورت دارد به آن پرداخته شود، فرضی است که یک تعهد یا وظیفه قانونی برای جلوگیری از خطر و اعمال زور وجود دارد که تعهد والدین به مراقبت از فرزندان، بارزترین مصداق آن است؛ در این حالت، آیا مراقبان و از جمله والدین و سرپرستان صغار، می‌توانند برای جلوگیری از خودکشی یا خودزنی به زور متوسل شوند؟ در صورت منفی بودن پاسخ، آیا امتناع مشاهده‌گر، چنانچه به مرگ یا صدمه منتهی شود، جنایت محسوب می‌شود؟ فرض کنید، آتش‌نشان که به حکم قانون، مکلف به مراقبت و دفع خطر است، شخصی را در حال شروع به خودکشی مشاهده کند و با وجود توانایی در پیشگیری از آن، خودداری ورزد و آن شخص با خودکشی به حیات خود پایان دهد یا والدین یا سرپرستان کودک یا مجنون که به لحاظ قانونی مکلف به مراقبت و حفاظت هستند، به‌رغم مشاهده و اطلاع از قصد و اقدام کودک یا مجنون مبنی بر خودزنی یا خودکشی، هیچ تلاشی برای ممانعت از آن به‌عمل نیاورند و نتیجه زیانبار واقع شود. در این موارد، آیا اقدام مشاهده‌گر یا مطلع که از ممانعت و اعمال زور خودداری می‌ورزد، می‌تواند جنایت موضوع ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) محسوب شود؟ برخی پاسخ می‌دهند: «مادام که کسی مباشرتاً یا تسبیحاً گناهی را مرتکب نشده است، بدون شک نمی‌توان او را به کیفر آن گناه مجازات کرد ولو اینکه بتواند با انجام دادن عملی از آن گناه جلوگیری کند... در مورد قتل، خرابکاری، اخلال در نظم

جامعه و مانند این گناهان کسی که می‌تواند از آنها جلوگیری کند، چنانچه سکوت کند و از آنها جلوگیری نکند یقیناً مسئول است و حاکم می‌تواند او را مجازات کند، لیکن نه به مجازات این گناهان بلکه به مجازات خاصی که خود صلاح می‌داند» (گرچی، ۱۳۸۶: ۳۱).^۱ این تقریر، ناظر بر پیشگیری از ارتکاب گناه توسط دیگری است و در ظاهر منصرف از خودکشی یا خودزنی است، با این توصیف، شخصی که با وجود توانایی و امکان دفع خطر از دیگری، از انجام آن خودداری می‌ورزد، مرتکب جنایت نشده و رفتار او صرفاً می‌تواند یک جرم تعزیری موضوع ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومان باشد. در خودکشی و خودزنی نیز به قیاس اولویت، تعزیر منتفی است، زیرا گناه خودکشی یا صدمه به خویشتن، ربطی به جامعه ندارد و متوجه خود شخص است.

با این حال، ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، امتناع تارک فعل را با رعایت شرایطی جنایت محسوب کرده است: «هر گاه کسی فعلی را که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون برعهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود، و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطایی محض است...». برای مسئول شناختن تارک فعل بر اساس این ماده، افزون بر وجود یک تعهد یا وظیفه قانونی، توانایی بر انجام فعل و رابطه استنادی میان ترک فعل و نتیجه لازم است. توانایی به انجام فعل با توجه به اوضاع و احوال و شرایط و امکانات پیرامونی سنجیده می‌شود و نمی‌توان به صرف وجود وظیفه، تارک فعل را مسئول و قابل مجازات دانست. ناتوانی ممکن است ناشی از امتناع شخص باشد، مانند بیمار صعب‌العلاجی که از بیماری‌اش به ستوه آمده و از مصرف داروهای تجویز شده خودداری می‌ورزد و داوطلبانه سبب مرگ خود را فراهم می‌کند و امکان تزریق دارو نیز وجود ندارد که در این صورت، مسئولیت کیفری متوجه تارک فعل نخواهد بود (رستمی، ۱۳۹۸: ۱۴۵-۱۴۶). خودکشی‌ها و خودزنی‌های سریع و ناگهانی نیز می‌توانند مشاهده‌گر را از هرگونه کمک یا اعمال زوری باز دارند.

بند نخست ماده واحده قانون خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی، همه اشخاص را با وجود شرایطی مکلف به کمک به اشخاص در معرض خطر کرده است، اما این تکلیف عمومی متمایز از وظیفه قانونی موضوع ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) است. بنابراین، صرف ممانعت نکردن از شخصی که در معرض خودکشی یا خودزنی یا هرگونه خطری است، حتی با وجود توانایی، مادامی که در چارچوب وظیفه خاص و مستقیم قرار نگیرد، جنایت محسوب نمی‌شود. برای مثال، شخصی که ناجی غریق است و به‌طور گذرا بیگانه‌ای را در معرض غرق شدن در رودخانه‌ای ببیند و از نجات او خودداری ورزد، صرفاً به اتهام خودداری از کمک به اشخاص در معرض خطر قابل تعقیب است و غیر آن، اتهامی متوجه او نیست. در مقابل، اگر چنین شخصی به‌هنگام انجام وظیفه در قلمرو کاری‌اش، متوجه شود که فردی درصدد کشتن خود از طریق رفتن به بخش عمیق رودخانه یا استخر است و احوال و کردار وی نیز بیانگر خودکشی باشد، امتناع در این حالت، جنایت موضوع ماده ۲۹۵ محسوب می‌شود و ممکن است، مشاهده‌گر در مظان اتهام جنایت عمدی نیز قرار گیرد. در فرض اخیر، به‌نظر می‌رسد رابطه سببیت برقرار شود. بنابراین، تارک فعل موضوع ماده واحده، خود نقشی در وقوع وضعیت (مخاطره جانی) ندارد و پس از وقوع، آن را مشاهده می‌کند و حال آنکه در ماده ۲۹۵، جنایت مستند به ترک فعل بوده و منحصر به مشاهده و امتناع ارادی نیست (آقایی‌نیا، ۱۴۰۲: ۶۷). این موضوع، تمایز میان دو ماده است. وضعیت پزشکی که در حال

۱. برای اطلاع از دیدگاه موافقان و مخالفان ارتکاب جنایت از طریق ترک فعل با تکیه بر دیدگاه‌های فقهی، رک: پناهی، ۱۳۹۸:

گذار از خیابان با مشاهده شخص در معرض خطر جانی به‌رغم توانایی بر کمک، او را رها می‌کند، با پزشکی که با وجود پذیرش بیمار و تعهد به درمان، از انجام تعهد امتناع می‌ورزد، متفاوت است و اولی برخلاف دومی، فقط مشمول حکم ماده واحده است.

۴. نتیجه

اعمال زور برای ممانعت از خودکشی و خودزنی که در حقوق کامن‌لو و قانون جزای نمونه آمریکا، مقررات روشنی دارد، در حقوق کیفری ایران مسکوت مانده است و از این‌رو، تکلیف قانونی اشخاصی که با چنین وضعیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند، مشخص نیست. با سکوت قانون، مقررات دفاع مشروع و برخی قوانین خاص، تا حدودی می‌توانند راهگشا باشند. در بادی امر، ممکن است این پندار شکل بگیرد که با توجه به اینکه خودکشی و خودزنی جرم‌انگاری نشده‌اند، اعمال زور در چارچوب مقررات دفاع مشروع متفی است. به‌نظر می‌رسد، این پندار نادرست باشد، زیرا در هیچ‌یک از مقررات دفاع مشروع به این نکته که دفاع باید در مقابل یک تجاوز یا خطر مجرمانه انجام گیرد، تصریح نشده و قانون در این خصوص، مطلق است و قلمرو شمول گسترده‌ای دارد. به‌کارگیری واژه «خطر» در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، متضمن این معناست که دفاع در برابر هرگونه خطر فعلی یا قریب‌الوقوع، صرف‌نظر از آنکه منشأ آن، شخص ثالث باشد یا آنکه از خودکشی یا خودزنی ناشی شود، جایز است. بنابراین، شخصی که در مقام دفع خطر خودکشی یا خودزنی، متوسل به اعمال زور می‌شود، با رعایت شرایط دفاع مشروع، مجاز است و ارتکاب اقدامات مجرمانه نسبت به مرتکب خودکشی یا خودزنی به‌شرط رعایت تناسب قابل مجازات نیست.

موضوع گاه فراتر از دفاع مشروع قابل بررسی است. دفاع مشروع مبتنی بر اجازه قانون است و حال آنکه مداخله و اعمال زور برای دفع خطر در پاره‌ای از موارد مبتنی بر تکلیف قانونی است و امتناع با وجود توانایی به دفع خطر، جرم محسوب می‌شود. بر اساس بند ۱ ماده واحده قانون خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی (۱۳۵۴)، شخصی که دیگری را در معرض خطر جانی مشاهده کند و با آنکه بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند، بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود، از این کار خودداری ورزد، مجرم است. بنابراین، انفعال و امتناع از زور توسط مشاهده‌گر در برابر فرد در حال خودکشی به‌رغم توانایی به دفع خطر، جرم محسوب می‌شود. پرواضح است که این قانون ناظر به مخاطرات جانی است و در مورد افرادی که اقدام به خودزنی می‌کنند، قابلیت اعمال ندارد، مگر آنکه خودزنی از نوع شدید و همراه با بیم خطر جانی باشد. اُتانازی یا مرگ خودخواسته نیز مشمول این حکم می‌شود و اعمال زور برای ممانعت از این نوع خودکشی در ایران که مانند اغلب کشورها ممنوع است، مبتنی بر الزام قانونی است. البته، غیر از مواردی که شخص در معرض خطر، کودک یا مجنون است، الزام همه مشاهده‌کنندگان به نیکوکاری و نועدوستی و اقدام و اعمال زور برای دفع خطر جانی، چالش و ایراد ماده واحده است و ضرورت دارد که قلمرو آن محدود به وظایف و مشاغل خاص شود. در خصوص خودزنی‌ها و رضایت به آسیب‌های شدید و ناروا به تمامیت جسمانی مانند ختنه زنان یا میل شدید به بریدن یا قطع اعضای بدن یا اختلال خودآزاری (مازوخیسم)، توسل به زور در چارچوب دفاع مشروع بلامانع است. در این موارد، چنانچه قربانی، کودک یا نوجوانان کمتر از هجده سال باشد، استفاده از زور برای پیشگیری از خطر یا تشدید آن، به‌تصریح ماده ۱۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۹۹) اجباری است. بنابراین، اعمال زور توسط مشاهده‌گر برای جلوگیری از خودکشی یا خودزنی

حسب مورد می‌تواند یک حق در چارچوب دفاع مشروع باشد یا به‌مثابه یک تکلیف بر اساس ماده واحده یا قانون حمایت از کودکان و نوجوانان شناخته شود.

امتناع و خودداری از اقدام، ممکن است مشمول ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) قرار گیرد که ترک فعل را در صورت وجود یک وظیفه قانونی یا تعهد، مشروط به احراز رابطه استناد، جنایت محسوب می‌کند. شخصی که تعهد به انجام فعلی را پذیرفته یا قانون بر عهده او گذاشته است، چنانچه مشاهده‌گر خودکشی یا خودزنی باشد و با وجود توانایی به پیشگیری، از آن خودداری ورزد، رفتار وی حسب مورد می‌تواند در چارچوب جنایت عمدی یا غیرعمدی قابل مجازات باشد. بدیهی است، اقدام قربانی به‌ویژه در فرضی که عاقل و بالغ است و سریع و ناگهانی دست به خودکشی یا خودزنی می‌زند، در اغلب موارد، قاطع رابطه سببیت است.

پیش‌بینی مقررات صریح در زمینه اعمال زور برای جلوگیری از خودکشی یا خودزنی در قوانین کیفری ایران و ذیل موانع مسئولیت کیفری، به شرحی که در قانون مجازات برخی کشورها مقرر شده است، می‌تواند مفید و راهگشا باشد و پاره‌ای از ابهامات را مرتفع سازد. با توجه به فقدان مقررات در این خصوص، ممکن است این پندار برای مشاهده‌گر ایجاد شود که نباید مداخله‌ای کند و حال آنکه مجرمانه نبودن این رفتارها، نافی تعهد مشاهده‌گر برای دفع خطر نیست.

منابع

الف) فارسی

۱. آقای‌نیا، حسین (۱۴۰۲). *حقوق کیفری اختصاصی (۳)*؛ جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات). چ بیستم، تهران: میزان.
۲. آقای‌نیا، حسین؛ محمودی جانکی، فیروز (۱۴۰۰)، «مترجمان». *قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا و یادداشت‌های توضیحی*. چ اول، تهران: میزان.
۳. برزگر، مهری (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی رضایت بزده‌دیده بر ایراد صدمه بدنی در حقوق ایران و آلمان». *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۹ (۲۴).
۴. پرادل، ژان (۱۳۸۶). *جرائم علیه اشخاص؛ آسیب‌های جسمی*. ج ۲، ترجمه مجید ادیب، چ اول، تهران: میزان.
۵. پناهی، محمد (۱۳۹۸). «تحلیل جنایت ناشی از ترک فعل در قانون مجازات ایران». *دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی*، ۵ (۱۱).
۶. دورکهمیم، امیل (۱۴۰۱). خودکشی. ترجمه نادر سالارزاده امیری، چ چهارم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. رستمی، هادی (۱۳۹۹). *حقوق کیفری و لیبرالیسم؛ بررسی کیفر در سنت فلسفی لیبرال*. چ اول، تهران: نگاه معاصر.
۸. رستمی، هادی (۱۳۹۸). «وقوع جنایت در چارچوب ترک فعل ناشی از وظیفه»، در: «افق‌های نوین حقوق کیفری، نکوداشت‌نامه استاد دکتر حسین آقای‌نیا»، چ اول، تهران: میزان.
۹. روح‌الله‌زاده اندواری جواد؛ یداله‌پور، محمد هادی؛ خفزی، ثریا؛ شعبانی فرامرزی، آسیه (۱۳۹۹). «بررسی نگرش دانشجویان تخصصی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل نسبت به مرگ از روی ترحم». *مجله دین و سلامت*، بهار و تابستان، ۸ (۱).
۱۰. شمس ناتری، محمدابراهیم؛ عبدالله‌یار، سعید (۱۳۸۹). «دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن». *مجله مطالعات حقوقی*، ۲ (۲).
۱۱. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۴۰۱). *حقوق بشر معاصر؛ جستارهایی تحلیلی در حق‌ها و آزادی‌ها*. چ ششم، تهران: نگاه معاصر.

۱۲. فورچی بیگی، مجید (۱۳۹۸). «واکاوی جرم‌انگاری ترک فعل در تقابل دو اصل خودمداری و رفاه». پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۰(۱) (پیاپی ۴۹).
۱۳. فورچی بیگی، مجید و حسینی، سید حمید (۱۳۹۶). «امکان سنجی شرکت فاعل و تارک فعل در وقوع جرم». فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۴(۱).
۱۴. کانت، ایمانوئل (۱۳۹۹). درس‌های فلسفه اخلاق. ترجمه منوچهر صناعی دره‌بیدی، چ هفتم، تهران: نقش‌ونگار.
۱۵. کلارکسون، کریستوفر (۱۳۹۸). تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی. ترجمه و توضیح: حسین میرمحمد صادقی، چ سوم، تهران: جنگل، جاودانه.
۱۶. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). مجموعه مقالات حقوقی. چ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲). حقوق جنایی. ج ۱، چ پنجم، تهران: فردوسی.
۱۸. عسگری، رضا؛ خدیری خان‌آبادی، عبدالرضا و صالحی، سیدمهدی (۱۳۹۳). «حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راه‌های پیشگیری از آن». دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۵(۱).
۱۹. لشکری، سمیه؛ اسدی، حسن (۱۳۹۹). «آثار اخلاقی پذیرش خودکشی مساعدت‌شده در حقوق ایران». فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۴(۵۲).
۲۰. لفیو، واین آر (۱۳۹۷). سببیت، قتل و صدمات بدنی در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا. ترجمه حسین آقایی نیا، چ چهارم، تهران: میزان.
۲۱. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۶). «مبانی فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود». فصلنامه حقوق، ۳۷(۱).
۲۲. مستفیضی، سروناز؛ بالوی، مهدی (۱۳۹۶). «حق مرگ در اسناد بین‌المللی حقوق بشر». فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، ۱(۱).
۲۳. مشکات، سیدمصطفی (۱۳۹۸). از جنین‌آزاری تا کودک‌آزاری: ایران، آمریکا و انگلستان. چ اول، تهران: میزان.
۲۴. ناصح، لادن؛ شیرانی، امین؛ تقوی لاریجانی، ترانه؛ مردانیان دهکردی، لیلا (۱۳۹۶). دیدگاه دانشجویان سال آخر پزشکی و پزشکان متخصص در رابطه با اتانازی یا مرگ از روی ترحم. فصلنامه آموزش و اخلاق در پرستاری، ۶(۳ و ۴).
۲۵. هوساک، داگلاس (۱۳۹۶). «حقوق کیفری به‌منابۀ آخرین راه‌حل». ترجمه مهرانگیز روستایی، در: غلامی، حسین، اصل حداقل بودن حقوق جزا، چ دوم، تهران: میزان.
۲۶. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۳). «بررسی جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر». فصلنامه حقوق پزشکی، ۸(۳۱).

ب) انگلیسی

27. Appel, J. (2007). "A Suicide Right for the Mentally Ill? A Swiss Case Opens a New Debate". Hastings Center Report. May-Jun; 37(3), 21-23. doi: 10.1353/hcr.2007.0035. PMID: 17649899.
28. Columba, M. (2007). *Suicide-Related Behaviour: Understanding, Caring and Therapeutic Responses*. Chichester, England: John Wiley & Sons.
29. Coroners and Justice Act 2009, Section 59. In: Legislation.gov.uk
30. Costa, Michael and Duffy, Mark (1991). *Labor, prosperity and the nineties: beyond the bonsai economy*. (2nd ed.), Sydney: Federation Press.
31. Criminal Code of Canada (1985). In: <https://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts>.
32. Feinberg, J. (1986). *Harm to Self: The Moral Limits of the Criminal Law*. Vol. 3, Oxford University Press.
33. Feinberg, J. (1984). *Harm to Others: The Moral Limits of the Criminal Law*, Vol. 1, Oxford University Press
34. Feinberg, J. (1988). *Harmless Wrongdoing: The Moral Limits of the Criminal Law*. Vol. 4, Oxford University Press.
35. Husak, D. (2004). *The Criminal Law as Last Resort*. Oxford Journal of Legal Studies, Vol. 24.

36. Wendt, R. (2013). "The Principle of "Ultima Ratio" And/or the Principle of Proportionality, Oñati Socio-Legal Series, 3(1).
37. https://web.archive.org/web/20090726145619/http://www.who.int/reproductive_health/publications/fgm/fgm_statement_2008.pdf
38. <https://en.wikipedia.org/wiki/Euthanasia>
39. https://en.wikipedia.org/wiki/Legality_of_euthanasia
40. India's Penal Code (2011). In: <https://www.endvawnow.org>.
41. Leenaars, Antoon A (2003), "Suicide and Human Rights: A Suicidologist's Perspective", Vol. 6, No. 2, Violence, Health, and Human Rights, Published By: The President and Fellows of Harvard College. <https://doi.org/10.2307/4065433>.